اتوپیای مردی لیبرال ـ مذهبی

«اتوپیای مردی لیبرال ـ مذهبی

فاطمه رنجبر

دانشجوی دکتری و مدرس دانشگاه

مقدمه

جنبش‌های دانشجویی جزئی از یک جامعه سیاسی محسوب می‌شوند. سابقۀ تاریخیِ جنبش‌های دانشجویی به سابقۀ تأسیس دانشگاه‌ها برمی‌گردد، اما چگونگی شکل‌گیری این جنبش‌ها در مطالعات جامعه‌شناختی و سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، شاید با اندکی مسامحه بتوان گفت که در عصر حاضر، تأثیر جنبش‌های دانشجویی نقشی ماندگارتر و تعیین‌کننده‌تر از سایر جنبش‌های اجتماعی دارد؛ درواقع این نوع حرکت، با ویژگی‌های خاص خودش به‌عنوان مؤثرترین فعالیت‌ها جهت اعتراضات و ایجاد تحولات در زمینه‌های گوناگون در تاریخچۀ نه‌چندان بلندمدت خود ایفای نقش کرده است. برای مثال در ایران رخدادهای مربوط به جنبش دانشجویی در 16 آذر سال 1332 و پدیدار شدن گروه‌های چریکی دانشجویی در تاریخ تحولات سیاسی ایران که به‌عنوان نماد جنبش دانشجویی در ایران شناخته می‌شود نشان می‌دهد جنبش دانشجویی نیرویی پیشتاز و بازیگری قدرتمند و تعیین‌کننده در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است؛ بر این اساس گفتمان مسلط جنبش دانشجویی در سال‌های نخستین انقلاب که در حقیقت محور مطالبات آن «دفاع از انقلاب» و «پاسداری از نظام» و «مقابله با امپریالیسم» بود که متعاقباً منجر به «تسخیر سفارت امریکا» توسط دانشجویان پیرو خط امام گردید و بعدها نیز منجر به تحکیم پایه‌های قدرت راست‌گرایان و همچنین عواقب درازمدت دیگری ازجمله ضبط و مصادره اموال ایران در خارج از کشور، وضع تحریمات علیه ایران و طرد ایران از جوامع غربی شد، گویای این مدعاست.

بر این اساس هر نوع پژوهش و ارزیابی از وضعیت جنبش دانشجویی و همچنین رفتارشناسی دانشجویان سازمان‌های دانشجویی می‌تواند در پیش‌بینی موقعیت آینده سیاسی ـ اجتماعی و تبیین راهکارهای ارتقا بخش در بحران‌های سیاسی و ایجاد تحولات گسترده اجتماعی و جهت‌دهی خواست‌های عمومی جامعه مفید باشد.

گذری بر تاریخ جنبش دانشجویی در ایران

جنبش دانشجویی به حرکت و کوشش جمعی و البته کمتر سازمان‌یافته دانشجویان در قیاس با احزاب، به‌منظور ایجاد تغییر یا حفظ وضعیتی خاص در جامعه در عرصه‌های گوناگون گفته می‌شود. (کریمیان، ج اول، 1381: 61) این جنبش‌ها معمولاً جزئی از جنبش‌های ایدئولوژیک و روشنفکر هستند که یا به‌صورت جنبش منفی در پی منافع گروهی‌اند و یا جزئی از جنبش‌های سیاسی محسوب می‌شوند. (رهبری 1384: 151) از منظر جامعه‌شناسیِ سیاسی و همچنین از منظر تاریخی، فهم فرایند چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های دانشجویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه زمینه ظهور این جریان فکری و نگاهی به سیر تحولات اجتماعی- سیاسی درگذشته نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی در کنار سایر جنبش‌های اجتماعی از لحظه تولد، نقش تأثیرگذار، تعیین‌کننده و ماندگاری در عرصه‌های اجتماعی و بین‌المللی داشته است. درواقع وجود روحیه نقادانه و پرسشگرانه این جنبش سبب گردیده تا ساختار سیاسی، همواره حساسیت بالایی نسبت به حرکت‌های این جنبش از خود نشان دهد.

با نگاهی گذرا به جنبش‌هایی دانشجویی در ایران می‌توان گفت این فعالیت‌ها کمی پس از تأسیس دانشگاه تهران از اوایل دهه بیست آغاز شد و با فرازوفرودهایی همواره ادامه داشته است، اما بااین‌حال و حتی در مقاطعی بارزترین نقش را در سرنوشت تاریخی ایران به‌ویژه در دوره پهلوی دوم ایفا کرده است. درواقع در میانه سال‌های 1320 و 1330 سرعت ایجاد تشکل‌های دانشجویی و فعالیت آنان به حدی بود که گفته می‌شود در سال 1325 رئیس دانشگاه تهران به سفیر انگلیس می‌گوید که اکثر ۴۰۰۰ نفر دانشجوی این دانشگاه به شدت تحت تأثیر حزب توده قرارگرفته‌اند؛ اما با این‌وجود با توجه به خصوصیات جنبش‌های دانشجوئی در طی سالیان گذشته می‌توان گفت که فعالیت این جنبش‌ها، میان‌دوره‌های مختلف به‌شدت در نوسان بوده است. بااین‌حال به نظر می‌رسد اوج مبارزات جنبش دانشجویی در عصر پهلوی را می‌توان همزمان با گسترش مراکز آموزش عالی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دانست. درواقع در این سال‌ها به‌موازات افزایش تعداد دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی نیز نقش مؤثرتری در تغییرات اجتماعی ـ سیاسی ایفا کرد.

حرکت‌های سیاسی نخستین دانشجویان با توجه به فضای حاکم بر جامعه ایران بیشتر در قالب سه حزب «توده»، «جبهۀ ملی» و «انجمن اسلامی» بود. این تشکل‌های دانشجویی همسو با تحولات جامعۀ ایران با حضور در اکثر مراکز آموزش عالی به‌خصوص در سال‌های آخر عمر حکومت پهلوی، نقشی انکارناپذیر و باورنکردنی در ایجاد دگرگونی‌های بنیادین اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک داشته اند. درواقع به‌جرئت می‌توان گفت اعتراضات و اعتصابات گستردۀ دانشجویان در سال‌های پایانی دهۀ ۴۰ و اوایل دهۀ ۵۰ تأثیر بسزایی در سرنوشت مبارزات دانشجویی داشت که درنهایت منجر به تغییر رژیم از یک حکومت سلطنتی به جمهوری از نوع اسلامیِ آن شد. در این راستا ایجاد مراکز، کانون‌ها و کتابخانه‌های اسلامی که نوعی بازگشت به ارزش‌های دینی بود بیانگر مطالبات دانشجویان در جریان مبارزات سیاسی بود. پیوند بین حوزه و دانشگاه در طول نهضت اسلامی یکی از مهم‌ترین دلایل تسریع جریان انقلاب بود و در مقاطع مختلف این پیوند نمود پیدا می‌کرد. در مقاطعی نیز زمانی که دانشجویان تظاهراتی در اعتراض به مشکلات صنفی و عدم آزادی در کشور به راه امی انداختند، روحانیون در حمایت از آن‌ها وارد میدان می‌شدند و با تعطیلی دروس، همراهی و پیوند خود با دانشگاهیان را اعلام می‌کردند. در این رابطه شخصیت‌هایی نظیر شهید مطهری، بهشتی، باهنر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی و … در سازمان‌دهی کنش‌های سیاسی دانشگاهیان بسیار تأثیرگذار بودند و با سخنرانی‌ها، کتاب‌ها، مدیریت اعتراضات سیاسی، ایجاد بینش مذهبی، همراهی با اقشار دانشگاهی در تحصن‌های سیاسی و … نقش مهمی در هدایت دانشگاه در فرایند انقلاب اسلامی بر عهده داشتند و با فعالیت آنان بود که پیوند حوزه و دانشگاه ریشه‌دار شد و این در شرایطی بود که حکومت سعی داشت دانشگاه را به محیطی فاقد انگیزه‌های مذهبی و اجتماعی تبدیل کند. دانشجویان با تشکیل انجمن‌های اسلامی و ایجاد کتابخانه‌های اسلامی سعی در ترویج هر چه بیشتر اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه داشتند و گرایش به اندیشه‌های مذهبی در دانشکدۀ علوم دانشگاه تهران به‌طور چشمگیری افزایش یافت و استفاده از آثار شهید مطهری و دکتر شریعتی به‌عنوان هدایت‌کنندۀ خط فکری دانشجویان موجب تشکیل هستۀ فکری منسجمی در آن دانشگاه گردید.

حرکت‌های سیاسی دانشگاهیان در خارج از کشور

کمی قبل از سال 1340 دانشجویان ایرانی علاوه بر دانشگاه‌های داخل ، فعالیت‌های خود را در خارج از کشور نیز آغاز کردند و ارتباطی نظام مند با سازمان دانشجویی دانشگاه تهران و شاخۀ جبهۀ ملی شکل

دادند. در سال 1339 علی□محمد فاطمی، صادق قطب□زاده و محمد نخشب سازمانی به نام دانشجویان ایرانی در آمریکا را پایه‌ریزی کردند. در این زمان حدود 4 هزار دانشجوی ایرانی در ایالات‌متحده به تحصیل اشتغال داشتند. ابراهیم یزدی نیز در خلال زندگی در آمریکا، درحالی‌که در دانشگاه «بیلر» درس می‌خواند به تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، انجمن اسلامی پزشکان آمریکا و کانادا پرداخت. یزدی با تأسیس نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ به همراه صادق قطب‌زاده و چند تن دیگر به تأسیس شاخه‌های اروپایی و آمریکایی این نهضت مبادرت ورزید و به‌عنوان رئیس شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در خارج از کشور انتخاب شد. درواقع صادق قطب‌زاده یکی از مشهورترین نمایندگان جنبش دانشجوییِ قبل از انقلاب است که در خارج از کشور به همراه ابراهیم یزدی و بنی‌صدر فعالیت می‌کرد. **او بدون شک یکی از تأثیرگذارترین دانشجویان سیاسی متأخر و یکی از مهم‌ترین نمایندگان جنبش دانشجویی در چند دهه□ اخیر بوده است.** معروف بود که این شخصیت کلیدی و پرحاشیه، فرزند معنوی آیت‌الله خمینی (ره) بود و آیت‌الله صیغه□ فرزندخواندگی برای او خوانده بود… او یکی از اولین دانشجویانی بود که در ترکیه به دیدار آیت‌الله خمینی شتافت و برای تبلیغ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی تلاش‌های زیادی انجام داد. او بعد از ورود آیت‌الله خمینی به پاریس، امکانات اقامت ایشان را در فرانسه فراهم کرد. ابتدا آنان را به خانه احمد غضنفرپور برد و سپس باغ نوفل‌لوشاتو را برای ایشان اجاره کرد. قطب‌زاده در زمان حضور آیت‌الله خمینی در فرانسه ازجمله مشاوران اصلی وی بود. البته ابراهیم یزدی و بنی‌صدر نیز همواره در کنار او حضور داشتند. کارول جروم(Carole Jerome)خبرنگار کانادایی ِ شبکه سی بی سی و نامزد صادق قطب‌زاده، بعد از مرگ او کتابی به نام «مرد در آینه» (Man in the Mirror)پیرامون شخصیت و فعالیت‌های او منتشر کرد. جروم در این کتاب بیان می‌کند : زمانی که در ایران انقلاب برای روحانیت شروع‌شده بود این مرد جوان در تبعید، در دنیایی در غرب زندگی می‌کرد که هیچ از این‌ها نمی‌دانست ، فقط چشمان سیاه ِ ایرانی ِ او به آینده دوخته‌شده بود…(نک:جروم ،1987: 10) جروم در اولین دیدارهایش قطب‌زاده را چنین توصیف می‌کند :

«□□ □□□□□□ □□□□□□□□ □□□ □.□□□□□□□ □□ □□□□□□ □□ □□□ □□□□□□□□: □□ □□□ □□□□□□□ □□□□□□□ “□□□□□□ □ □□□□□□ □□□□ □□□□□ □□□□□□□ □□□□□□□ □□□ □□ □□□□□□ □ □□□□□□ □□□□ □□□□□ □□□□□□ □□□□ □□ □□□□□ □□ □□□□ □□□□□□ □□□□□ □□□□ □□□□□□ □ □□□□□ □□□□□ □□ □□□□□□□□□ □ □□□□□□□□□…□□□ □□□ □□ □□ □□□. □□□□ □□□□□□ □□□□□ □□□□□ □□□ □□ □□□□ □□□□□ □□□□□□ □□ □□ □□□□□□□ □□□□□□ □□□ □□ □□□□ □□□□□ □□□□□□ □□ □□ □□□□□□□ □□□□□□.

[illegible]

ظاهرا فعالیت‌های قطب‌زاده، یزدی و بنی‌صدر موردتوجه رسانه‌های خارجی بوده و هرروز خبرنگاران و روزنامه‌نگاران زیادی اطراف منزل آیت‌الله خمینی جمع می‌شدند تا از برنامه‌های آیندۀ این خیزش اجتماعی کسب اطلاع کنند. جروم دراین‌باره می‌گوید:

[illegible]

[illegible] (29 و 28 :1987:[illegible])»! [illegible]

بر اساس اسناد تاریخی و مصاحبه‌های به‌دست‌آمده، قطب‌زاده برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی بسیار تلاش کرد. او به‌طورجدی از سال 1342 در پی گسترش مخالفت‌ها با رژیم پهلوی به‌صف هواداران امام پیوست و بعدازآن طی سفرهایی به لبنان پس از آشنایی با مبارزات و فعالیت‌های امام موسی صدر، شیفتهٔ رهبر شیعیان این کشور شد و کمک به آنان را در رأس فعالیت‌هایش قرارداد. نزدیکی و دل‌بستگی او به آیت‌الله خمینی به حدی بود که گفته می‌شود آیت‌الله بدون مشورت او و ابراهیم یزدی حتی آب هم نمی‌خورد. طبق گفته‌های کرول جِروم در کتاب «مرد در آینه» او به‌شدت ضد شاه بود و درواقع اساساً با تنفر از شاه بزرگ‌شده بود. او می‌گوید: «[illegible]،» (جروم:24) او اعتقاد داشت «[illegible].» (جروم: 13) جروم او را مردی آسیب‌ناپذیر و با اعتمادبه‌نفس بالا نسبت به کاری که انجام می‌داد توصیف می‌کند: «[illegible].»(جروم:25)

درواقع او به دنبال ایجاد یک نوع حکومت آرمانیِ مذهبی بود. باوجوداینکه به نظر نمی‌آمد چندان شخصیت مذهبی‌ای داشته باشد، اما با تمام وجود به خاطر تأثیرات زیادی که از پدر معنوی خود (آیت‌الله خمینی) گرفته بود، در پی ایجاد نوعی حکومت اسلامی از نوعِ جمهوری بود. کرول جروم چندین بار در مصاحبه‌های خود از قطب‌زاده دربار□ مکانیزم جمهوری اسلامی و حکومتی که انقلابیون در پی تشکیل آن در ایران بودند پرسید و او این‌گونه پاسخ داد:

«جروم: می‌توانید مکانیزم یک جمهوری اسلامی دموکراتیک را توصیف کنید؟ قانون اساسی، مجلس و سیستم قضایی چگونه کار خواهند کرد؟

قطب زاده: روی جزئیات مطابق قوانین اسلامی کار خواهند کرد.

پرسیدم: قوانین اسلام قرون‌وسطایی؟

او به من اطمینان می‌داد: نه.. نه اسلام یک نیروی پیشرو در حال تغییر است. (ص:11)،

آقای قطب‌زاده اگر به ایران برگردید آقای خمینی حکومت خواهد کرد؟

قطب‌زاده: نه مردم حکومت خواهند کرد. ما انتخابات برگزار می‌کنیم و دولت خودمان را انتخاب خواهیم کرد، خمینی یک راهنمای معنوی است. (ص: 16) او تأکید داشت که آیت‌الله یک نوع جدید جامعه به ما خواهد داد با یک‌پای□ مذهبی حقیقی.»(جروم:32)

او تأکید داشت در این حکومت «□□□ □ □□ □□□□□□ □□□□ □ □□□□□ □□□□□□ □□□ □ □□ □□□ □□ □□ □□□□ □□□□. □□□□ □□□□□ □□□□ □□□□ □□□□□□ □□□.»(جروم:18)

قطب‌زاده در توضیحاتش شکاف تاریخی بین بختیار و گروه‌های اسلام‌گرای درون جبهه□ ملی متذکر می شد و به پیروی از رهبر معنوی‌اش آیت‌الله خمینی، خواستار استعفای بختیار بود. او در توضیحاتش از فساد دربار، نیاز به حکومت کردن سازگار با اسلام تأکید داشت و اینکه آیت‌الله خمینی وقتی مأموریت خاتمه پیدا کند به محافل روحانی بر خواهد گشت و ایرانِ جدید همچنان دوست غرب باقی خواهد ماند، صحبت می کرد. (جروم:30)

او همچنین مقاله‌ای در نشری□ «لوموند» نوشته بود و در آنجا توضیح داده بود: «□□□ □□□□□□ □□ □□□□□ □□ □□□ □□□□□□ □□□ □□□□ □□□ □□□□ □□□□□□ □ □□□□□□□□□ □□□□□□□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□□□

[illegible]»(جروم:36)

جروم دربار قطب‌زاده و آرمان‌هایش، انقلاب ایران و کارکردهای نظام جمهوری اسلامی که قطب‌زاده و هم قطارانش برای ایجاد آن از تلاش‌های شبانه‌روزی دریغ نمی‌کرند، از دیگرانی که آنها را می شناختند نیز پرسوجو می‌کرد:

«[illegible]»(جروم:29)

به‌هرحال طبق آنچه تا کنون در اسناد تاریخی نگاشته شده و همچنین بر اساس مصاحبه‌های دوستان و هم قطاران قطب‌زاده، او شخصیتی بود که برای تحقق اهداف انقلاب که نویددهند یک جامع آرمانی بود تلاش‌های بی‌شماری انجام داد. به گفت دوستان نزدیکش: «[illegible]»(جروم:29)

به‌هرحال طبق آنچه تا کنون در اسناد تاریخی نگاشته شده و همچنین بر اساس مصاحبه‌های دوستان و هم قطاران قطب‌زاده، او شخصیتی بود که برای تحقق اهداف انقلاب که نویددهند یک جامع آرمانی بود تلاش‌های بی‌شماری انجام داد. به گفت دوستان نزدیکش: «[illegible]»(مازیار وکیلی به نقل از اردشیر هوشی اردشیر هوشی از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطب‌زاده: www.rouydad24.ir/000mg0)

به نظر می‌رسد با توجه به گفته‌های جروم او هیچ‌گاه به فکر قدرت‌طلبی‌های شخصی نبود و تنها به آرمان هایش پایبندی داشت. او در این رابطه ایدئال‌گرا بود و به شایسته‌سالاری اسلامی در جمهوری اسلامی باور داشت، جروم گفت‌وگوی کوتاه خود با قطب‌زاده را قبل از پیروزی

انقلاب دربار□ جایگاه احتمالی‌اش در حکومت جدید چنین بیان می‌کند:

«جـــروم: [illegible]! [illegible]: [illegible]…[illegible]! [illegible]: [illegible]. (illegible) [illegible]) [illegible].»(جروم:35

بر اساس گفته‌های کرول جروم، قطب‌زاده حتی در تأمین هزینه‌های پرواز آیت‌الله خمینی تلاش‌های بسیاری کرد و این درست در حالی بود که مدیران ایرفرانس به خاطر اوضاع پرآشوب ایران برای این پرواز 500 هزار فرانک درخواست داده بودند.

«[illegible] (illegible) [illegible]. [illegible] 500 [illegible]… [illegible] … [illegible]! [illegible] 500 [illegible]… [illegible] … [illegible]…» **(نک: جروم:36)**

در پرواز انقلاب به تاریخ ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، قطب‌زاده تنها کسی بود که اجازه یافت در طول این سفر پرالتهاب، در کنار آیت‌الله خمینی بنشیند. عملکرد صادق قطب‌زاده به‌عنوان دانشجویی مبارز برای بلندپایگان انقلاب 57 ستودنی بود، اما این تحسین و تمجید زیاد به طول نینجامید، درواقع عملکرد قطب‌زاده بعد از انقلاب و مواضعش او را به ورط□ نابودی کشاند. از مخالفت‌های او با مهندس بازرگان و دولت موقت تا ماجرای بحران گروگان‌گیری و صحبت‌های تند سیاسی علیه احزاب اسلامی و تغییر موضع زودهنگام او و پشیمانی‌اش برای مبارزه

درراه انقلاب، باعث شد خیلی زود از صحنه پرتلاطم سیاسی ایران حذف شود. ازجمله صحبت‌های تند او که اردشیر هوشی[1] در گفتگو با فهیمه نظری، با سایت تاریخ ایرانی از او نقل می‌کند این است:

«[illegible]

و باز دریکی دیگر از مصاحبه‌هایش گفت:

«[illegible]!»(اردشیر هوشی در گفتگو با فهیمه نظری: تاریخ ایران، 1/11/1397 قابل‌دسترسی در http://www.ion.ir/news/443143)

قطب‌زاده در ابتدای پیروزی انقلاب با حکم امام خمینی (ره) ریاست صداوسیما را عهده‌دار شد و پس‌ازآن نیز به سِمت وزارت امور خارجه منسوب گردید و در انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرد اما پیروز نشد…درواقع قطب‌زاده به خاطر سخنان تند سیاسی و تغییر مواضعش پس از مدتی خانه‌نشین شد، او به این نتیجه رسیده بود که جمهوری اسلامی از مسیر خود منحرفشده و برای بازگرداندن آن به مسیر اصلی راهی جز برخورد نظامی وجود ندارد. او مدتی پس از فعالیت‌های زیرزمینی دستگیر شد. بعد از دستگیری توسط حکومت در اعترافات خود عنوان کرد فعالیت‌های او برای براندازی جمهوری اسلامی نبود بلکه هدفش نجات جمهوری اسلامی از دست کسانی است که به نظر وی صلاحیت حکومت کردن ندارند. اهدافی که قطب‌زاده برای حرکت خود ذکر کرده بود، دقیقاً همان اهدف کودتاگران نوژه[2] بود که دو سال قبل از او با شکست مواجه شده بودند. صادق قطب‌زاده برای تحقق هدف خود حدود یک سال و نیم تلاش کرد. ارتباط با برخی از کشورهای منطقه، ارتباط با تنی چند از نظامیان و ارتباط با شماری از روحانیون مخالف، نمونه‌هایی از فعالیت‌های خام و حساب‌نشده وی بود که قبل از آن‌که آن‌ها را عملیاتی کند دستگیر شد.

با توجه به موارد ذکرشده و برخی موارد دیگر، درنهایت صادق قطب‌زاده به اتهام انحراف از اصول بنیادین انقلاب اسلامی و تدارک یک کودتا علیه انقلاب و برنامه‌ریزی برای ترور امام خمینی (ره) در ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ محاکمه و اعدام شد. طبق گفته‌های کرول جروم، بااینکه حتی فرصت فرار برای قطب‌زاده در روزهای آخر قبل از اعدام شدن مهیا شده بود او به این کارتن درنداد، او خود را مسئول اوضاع پیش‌آمده می‌دانست و می‌گفت که به خاطر این اوضاع شرمندۀ ملت است و حتی هنگامی‌که احمد آقا، پسر بزرگ آیت‌الله خمینی در زندان به دیدار او رفت و به او گفت پدرش او را خواهد بخشید اگر که او همۀ گفته‌هایش را پس بگیرد و طلب بخشش کند، اما صادق نپذیرفت. او در زندان به یکی از نگهبانان گفته بود: تمام آنچه می‌خواهم این است که مردم بدانند که مسئولیت همۀ آنچه کردم را قبول دارم و سر جایم باقی ماندم تا عوضش کنم، همین و بس. (نک: جروم: 231 و 221) درواقع خلاصۀ زندگی قطب‌زاده را هم می‌توان در جمله‌ای از نامزد او کرول جروم پیدا کرد: «مبارزه در سراسر زندگی برای یک رؤیا و در غلتیدن به یک کابوس.»

درواقع سرگذشت این مبارز انقلابی که از نمایندگان مهم دانشجویانِ مبارز خط امام بود و به‌واسطۀ جنبش‌های دانشجویی موفق به پیشبرد اهداف انقلابی و اسلامی گردید و در این راه نه‌تنها از هیچ زحمتی فروگذار نکرد بلکه شجاعانه با خطر روبه‌رو شد تا اهداف انقلابی و سیاسی خود و گروه متعلق را برآورد، اما به‌زودی بعد از پیروزیِ انقلابیِ خود دچار پشیمانی و عدم ثبات عقیده شده و موضعی کاملاً متضاد یا کمابیش متقابل با عقاید سابق خود و همراهانش در پیش گرفت، هر شنونده و خوانندۀ ای را دچار حیرت و شگفتی می‌کند. شاید این گفتۀ هانا آرنت در مورد قطب‌زاده‌ها صادق باشدکه: «واقعیت اسفبار این است که بخش بزرگ بدی‌ها را کسانی مرتکب می‌شوند که هرگز تصمیم به بد بودن یا خوب بودن نمی‌گیرند…آن‌ها توانایی اندیشیدن ندارد.» (آرنت:1379)

سخن پایانی

به گمان بسیاری شاید بتوان گفت که حال‌وهوای جنبش‌های دانشجویی قبل از انقلاب در ایران تا حدی یک پدیدۀ جهانی بود؛ اما با توجه به اتفاقات و شورش‌های درون‌گروهی، اختلاف‌نظرها، تغییر مواضع مبارزان جنبش‌های دانشجویی، حذف و اعدام‌های متعدد حزبی و گروهی که پس از پیروزی انقلاب به وقوع پیوست تا چه حد می‌توان گفت جنبش دانشجویی ایران یک جنبش اصیل، درون‌زا، بومی و حساب‌شده بوده است؟ به‌زعم

افشین متین عسگری، استاد دپارتمان تاریخ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و نویسند کتاب «کنفدراسیون: تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور:1332 ـ 57» پاسخ به این سؤال به روشن شدن ابعاد مختلف مسئله مبارزات سیاسی دهه‌های قبل و بعد از انقلاب کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

آرنت، هانا، (1379) اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی، ترجمه: عباس باقری، تهران، نشر نی

افشین، (1378): کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور 57 ـ 1332، ترجمه: آذری، ارسطو، تهران، شیرازه.

جروم، کرول (1987)، مرد در آینه، ترجمه: پ. ایران‌دوست، pdf.tarikhema.Org

رهبری، مهدی: (1384) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران

کریمیان، علیرضا: (1381) جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مصاحبه‌ها

اردشیر هوشی در گفتگو با فهیمه نظری: تاریخ ایران، 1/11/1397 قابل‌دسترسی در (http://www.ion.ir/news/443143)

مازیار وکیلی به نقل از اردشیر هوشی، از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطب‌زاده: قابل‌دسترس در (www.rouydad24.ir/000mg0)

پیشنهاد برای مطالعه

کورزمن، چارلز (1397) انقلاب تصورناپذیر در ایران، ترجمه: محمد ملاباشی، تهران، نشر ترجمان

Jerome.Carole, (1988) Man in the mirror: a true story of revolution,Love and treachery, Paperbacks Limited

L.Weiss,Meredith,Aspinall,Edward, (2012), Student Activism in

Asia, by the Regents of the University of Minnesota

[1] ـ از اعضای جبهه ملی در آلمان و دوست نزدیک صادق قطب‌زاده

[2] ـ کودتای نقاب (با سرواژ قیام ایران بزرگ) که بعدها به نام کودتای نوژه معروف شد؛ حرکت نظامی‌ای بود که چندی پس از به قدرت رسیدن نظام جمهوری اسلامی در ایران توسط تنی چند از افسران ارتش شاهنشاهی ایران و با تمرکز افسران نیروی هوایی شاهنشاهی برای بازگرداندن شاپور بختیار و حذف سید روح‌الله خمینی و نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی طرح‌ریزی‌شده بود.